

واژه‌شناسی توصیفی آموزش کاربردهای طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی

تهیه و تنظیم: علی‌رضا یوسفی

در بحث شماره پیش، طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی در حیطه شناختی به اختصار تشریح شد، در این شماره، به طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی در حیطه روانی- حرکتی (Psychomotor) یا به بیان ساده‌تر، تعیین اهداف مهارتی می‌پردازیم.

سطوح یادگیری در حیطه روانی- حرکتی (مهارت‌های عملی)

قبل از تشریح سطوح یادگیری در حیطه مهارت‌های عملی، ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که تقسیم اهداف آموزشی به سه حیطه شناختی، روانی- حرکتی و عاطفی، صرفاً الگویی برای تدوین اهداف می‌باشد ولی در مقام واقعیت، یادگیری‌های انسانی، یک پارچه و جدایی‌ناپذیر می‌باشد. در طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی در حیطه مهارتی پنج سطح یادگیری ذکر شده است:

سطح اول: تقلید

انسان غالباً هر مهارتی را ابتدا با مشاهده آن و تقلید و تکرار از روی الگو شروع به آموختن می‌کند. در آموزش مهارت‌های عملی به دانشجویان رشته‌های حرفه‌ای، ترتیب دادن سازوکار مناسب برای طی این مرحله بسیار با اهمیت است. تأسیس مرکز مهارت‌های بالینی (Skil lab) در دانشکده‌های علوم پزشکی، در واقع فراهم کردن امکان برای دانشجویان برای تقلید و تکرار است. باید توجه داشت که گرچه طی کردن مرحله تقلید و تکرار برای رسیدن به سطوح بالاتر یادگیری در حیطه مهارتی ضرورت و اهمیت بنیادین دارد، اما بطور معمول، یادگیری یک مهارت در سطح تقلید و انجام مهارت از روی دست الگو، نمی‌تواند سطح هدف‌گذاری مناسبی برای دانشجویان رشته‌های حرفه‌ای محسوب شود. لازم به ذکر است که توضیحات استاد در حین نمایش مهارت و نیز بیان دلایل انجام هر کدام از اجزای مهارت، در یادگیری مهارت‌ها نقش حیاتی دارد.

با توجه به تولید بسیار عظیم اطلاعات در علوم گوناگون، موضوع تدوین اهداف آموزشی برای مؤسساتی که رسالت پرورش دانش‌آموختگان، بویژه در رشته‌های حرفه‌ای را به عهده دارند، اهمیت افزونتری می‌یابد. محدودیت منابع و محدودیت زمان موجب می‌شود که نظام آموزشی در مورد هدف‌های آموزشی به انتخاب بپردازد و موضوعات اولویت‌دار در محدوده زمانی کوتاه آموزش، در اهداف آموزشی گنجانده شود.

تعیین و تدوین اهداف آموزشی در رشته‌های گوناگون علوم پزشکی، یک مسأله لوکس و فرعی نیست، بلکه از اصلی‌ترین وظایف نهادهای آموزشی و استادان محسوب می‌شود، تا از این طریق، از منابع آموزشی، حداکثر استفاده به عمل آید. متأسفانه نگاه سطحی و شکلی به مسأله تعیین اهداف آموزشی و توجه افراطی برخی به شکل ظاهری نگارش هدف‌های آموزشی و جنبه تکنیکی بخشیدن به نحوه نگارش هدف‌ها، موجب شده است تا به نظر برخی از افراد، تعیین هدف‌های آموزشی که یک کار مهم و اساسی مؤسسات آموزش عالی علوم پزشکی می‌باشد، مسأله‌ای فرعی و جانبی جلوه کند. نکته با اهمیت این است که هدف‌های زیبا و تکنیکی تهیه کردن، بدون توجه به نیازهای افراد، جامعه و منابع، و در اختیار مؤسسه آموزشی قرار دادن، البته کاری فرعی و زاید است و حتی برای فعالیت‌های آموزشی زیان‌آور هم می‌باشد. هدف‌های آموزشی به زبان ساده، تعیین یادگیری‌های مورد انتظار از دانشجویان در پایان دوره آموزشی است.

انجام صحیح و با معنای این کار، از سوی استادان و مؤسسه آموزشی، علاوه بر فوایدی که ذکر شد، یک گام بلند به سمت فراگیر- محوری نیز محسوب می‌شود. به این دلیل که در نظام آموزشی، اعضای هیأت علمی، با تعیین و بیان اهداف آموزشی، در واقع تعهداتی را که در قبال یادگیری دانشجویان دارند بیان می‌کنند، اقدامات و فعالیت‌های خود را برای تحقق این اهداف هماهنگ می‌کنند.

سطح دوم: انجام آگاهانه مهارت

در این مرحله، فرد مهارت‌آموز به این توانایی دست می‌یابد که بدون مشاهده از روی دست الگو و بر اساس دستورالعمل، یک کار مهارتی را البته به صورت کند انجام دهد. این مرحله از مهارت‌آموزی در علوم پزشکی باید روی نمونه‌های واقعی و تحت نظارت استادان با تجربه انجام شود. چنان که فرصت و امکانات نظام آموزشی محدود باشد، این سطح از مهارت‌آموزی ممکن است به عنوان هدف یادگیری در نظر گرفته شود، که البته سطح مطلوبی نمی‌باشد.

سطح سوم: دقت

با افزایش کارآموزی، دقت فراگیر مهارت‌آموز افزایش می‌یابد و قادر می‌شود که بدون حضور استاد، یک مهارت را با دقت قابل قبول انجام دهد. ضمن اینکه فراگیر مهارت‌آموز، هنوز مطابق الگوی یادگیری اولیه عمل می‌کند. در نظر گرفتن این سطح از یادگیری برای دانشجویان علوم پزشکی با توجه به شرایط و امکانات، سطح یادگیری قابل قبول محسوب می‌شود.

سطح چهارم: ماهر شدن

با افزایش کارآموزی‌ها، مهارت‌آموز با سرعت و انرژی کمتر مهارت آموخته شده را انجام می‌دهد و بین ذهن و رفتارهای او هماهنگی لازم ایجاد شده است. تعیین چنین سطحی برای مهارت‌آموزی برای دانشجویان دوره‌های دستیاری قابل قبول به نظر می‌رسد.

سطح پنجم: عادی شدن و کسب مهارت‌های یگانه فردی

این سطح از یادگیری مهارت، سطحی است که فرد بدون فکر کردن، مهارتی خاص یا چندین مهارت توأم را مورد استفاده قرار می‌دهد و یا حتی مهارت‌ها را با شیوه اختصاصی خود به انجام می‌رساند به نحوی که رفتار افراد مهارت‌آموخته در این سطح، توأم با برخی روش‌ها و ابتکارات شخصی نیز می‌شود و از این رو، مشاهده رفتارهای افراد در این مرحله، شباهت مرحله‌های قبلی را ندارد. تعیین این سطح یادگیری به عنوان هدف آموزشی، علی‌القاعده برای مؤسسات آموزشی میسر نمی‌باشد.

